

از حادثه تا شخصیت

(بررسی شخصیت در ادبیات داستانی نوجوان دفاع مقدس)

مهدی ناصحی^۱

محبوبه شادپی^۲

مقدمه

با شعله‌ور شدن آتش جنگ ایران و عراق، فصل تازه‌ای در موضوعات ادبیات داستانی ایران گشوده شد. نویسندگانی چند، از نزدیک شاهد وقایع جنگ بودند. بعضی نیز زیر فشار موشک‌های دشمن مرز آن را چشیدند. آنان که برای دفاع از دین و میهن به جبهه رفتند، جز اندکی، به قصد نویسندگی پا به میدان نبرد نگذاشتند. اما رزمندگان مستعد، هنر نوشتن از جنگ را در جبهه آموختند. شماری از این نویسندگان هم به شهادت رسیدند. از جمله: شهید کامبیز (یوسف) ملک شامران، شهید علیرضا شاهی، شهید جعفر حسن بیگلر، شهید عباس بروغنی (م. خوشدل) و شهید مهدی کمالی (به نقل از مجموعه مقالات سمینار رمان جنگ، ص ۸۸).

نویسنده‌ای که می‌خواهد برای جنگ در زمینه ادبیات داستانی کار کند، باید در بطن ماجرا، حضور فیزیکی فعال داشته باشد و با چشم خود، آنچه را از شهادت، ایثار و فداکاری رخ داده است، مشاهده کند. آنگاه براساس تجربه‌های حسی و مشاهدات عینی، به قلم زدن در وادی ادبیات داستانی جنگ بپردازد. البته «در حال حاضر ما دو دهه از جنگ هشت ساله ایران و عراق فاصله گرفته ایم و این گذر زمان از وقوع چنین حادثه‌ای زاویه دید مخاطب را گسترده تر می‌کند و نویسنده برای بیان مفاهیم دفاع مقدس آزادی عمل بیشتری دارد. وقتی به زمان وقوع حادثه‌ای نزدیکتر هستیم نسبت به آن واقعه احساسات هیجانی بیشتری داریم، ولی با دور شدن از وقایع و حوادث صورت گرفته، تجربه و توانایی‌های لازم را کسب خواهیم کرد.» (نظر شهرام شفیعی در گفتگو با سایت حیات، سه شنبه ۸۷/۶/۲۶)

آنچه به بحث این مقاله مربوط می‌شود، پیرامون ادبیات داستانی نوجوان است. می‌دانیم که نوجوانان بنا بر طبیعتی که ویژه جنگ است به ظلم و زور وارد معرکه جنگ شده‌اند. شهری اشغال شده است و این افراد در آن شهر حضور دارند و اتفاقاتی از این دست که در داستان‌های ما روی می‌دهد. در عرصه‌های دیگر ادبیات نوجوان شاهد این رویکرد هستیم که نوجوانان تأثیرات جنگ را می‌پذیرند و ادبیات مهاجرت جنگ پدید می‌آید. مادر، پس از شهادت همسر با مرد دیگری ازدواج می‌کند، این هجران روی فرزند تأثیر می‌گذارد. در دهه ۶۰ آرمانگرایی بیشتر از دهه‌های اخیر و حتی دهه ۷۰ بوده است و البته در سالهای اخیر شاهد آثاری هستیم که به تابو شکنی جواب می‌دهد. آثار ادبی افرادی چون احمدزاده و قیصری. و نیز کتاب "من قاتل پسران هستم" اثر احمد دهقان، از شاخص ترین این آثار به حساب می‌آید. در دهه ۶۰ باورپذیری به این معنا بوده است که مثلاً دو کاراکتر متعالی باشند و با بقیه افراد جامعه کاملاً متفاوت باشند. این نوع نوشتن در یک برهه از زمان یعنی زمان جنگ نیاز بوده، اما استفاده از این نوع نوشتن در حال حاضر جامعه ادبی دفاع مقدس، کمتر با استقبال مواجه می‌شود. در متن مقاله به این موضوع، عمیقتر نگریسته شده است.

ویژگی‌های روحی و روانی نوجوان

در آغاز نگاهی اجمالی به خصوصیات روحی نوجوانان می‌افکنیم تا انعکاس این ویژگی‌ها را در آثار داستانی این دسته از اجتماع در جنگها مشاهده کنیم. مقطع سنی نوجوان از حساسترین و تعیین کننده‌ترین دوره‌های عمر آدمی است. مجموعه آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، تأثیری عمیق در شکل‌گیری شخصیت آینده او دارد. در این جا به

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات خراسان رضوی

۲- دبیر زبان و ادبیات فارسی دبیرستانهای مشهد (دوره اول)

چهار خصوصیت روانی نوجوان که به هنگام خلق اثر هنری بایستی مدنظر رمان نویس باشد، اشاره می‌شود:

- الف- تأثیرپذیری از جامعه
 - ب- میل به تفکر و اندیشه
 - ج- توجه به تولیدات هنری
 - د- افزایش حوصله و پیچیدگی ذهنی نوجوان
- نوجوان امروز با خواندن رمان جنگ می‌تواند متعالی‌ترین ارزشهای انسانی را به تأمل نشسته و لذتی روحانی ببرد.

حاصل نگارش رمان جنگ برای نوجوانان:

- ۱- ارضای صحیح روح قهرمان پروری
- ۲- نمایش ارزشهای گوناگون اخلاقی
- ۳- مشارکت و حضور تخیلی آنان در جبهه و پشت جبهه
- ۴- دمیدن روح حماسی در نوجوانان
- ۵- آمادگی روانی نوجوانان برای رزمهای دفاعی آینده
- ۶- تبیین ارزشها

جنگ یا صلح (در ادبیات داستانی ویژه نوجوان)

یکی از مباحثی که در سال‌های اولیه درگیری جنگ، نگرش‌های متفاوتی به داستان جنگ برای نوجوان پدید آورده بود مقایسه جنگ و صلح بود و داوری در مورد اینکه کدامیک از این دو بر دیگری رجحان دارد. کسانی که نگرش منفی در مورد جنگ داشتند، مبنای قضاوتشان، دخالت جهان بینی و مواضع سیاسی خودشان بود و در آثار داستانی خود از پدیده جنگ- به طور کلی- تحلیلی طبقاتی و اقتصادی ارائه می‌کردند. یکی از چهره‌های شاخص و پیشکسوت این جریان در عرصه ادبیات کودک و نوجوان، قدسی قاضی نور بود که در داستان- مقاله کوتاه خود "وینتام گواهی ست" (۱۳۶۰) از زبان خواهری بزرگتر خطاب به برادر کوچکترش می‌گوید: جنگها حاصل توسعه طلبی نظامهای سرمایه داری هستند. وقتی این نظامها از بین بروند، جنگ هم نخواهد بود. دیگر نویسنده مارکسیست و وطنی، نسیم خاکسار است که در قالب روایتی تحت عنوان "من صلح را دوست دارم" سه شخصیت مهم اثرش را این گونه معرفی می‌کند. یکی حسن یازده ساله است که زشتیهای جنگ را دیده و در انتظار روزی است که جنگ خاتمه یابد. شخصیت دیگر جاسم، جوان مبارز چپی است که جعفر را- شخصیتی که قصد جنگیدن دارد- منصرف می‌کند و او را به بازگشت نزد خانواده اش تشویق می‌کند، جاسم از او می‌خواهد که علیه عاملان جنگ، بشورد و همیشه با ظلم مبارزه کند. یکی از آثاری که جنگ و صلح را با دیدی منصفانه و منطقی مورد بررسی و قضاوت قرار داده، داستان کوتاه جنگ و صلح (۱۳۶۵) نوشته فریدون عموزاده خلیلی است و در مجموعه "سیمای جنگ" در آثار کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است. هوشنگ مرادی کرمانی نیز در داستان کوتاه "جنگل" (۱۳۷۳) رهنمودهای یونسکوئی سازمان ملل متحد را به کار گرفت و کوشید تا داستانی در جهت اهداف و باب طبع غربیان، راجع به جنگ ایران و عراق بنویسد. داستان او، جنگ را عامل تباهی انسانها و در کل، حیات موجودات زنده جلوه می‌دهد. بی آنکه میان جنگ تجاوزکارانه و دفاع مشروع مقدس تفاوتی قائل شود. (با استفاده از کتابشناسی مندرج در پژوهشنامه، شماره ۱، به نقل از ص ۲۷ و ۲۹ کتاب در مسیر تندباد).

از جمله خصایص منحصر به فرد دفاع مقدس ما در جنگ تحمیلی هشت ساله، بُعد شدید مذهبی و عقیده‌ای آن بود که جان باختن در این عرصه را مرگ نمی‌داند بلکه شهادت می‌داند و شهید، زنده جاوید است. کامل‌ترین و قابل‌تامل‌ترین داستانی که از این چشم‌انداز به دفاع مقدس پرداخته، "اینجا خانه من است" (۱۳۶۸) نوشته مجید راستی

است که از زبان کودکی شهید روایت شده است. شهید خردسال درباره وضعیت خود در جهان برین می‌گوید و سپس شرح می‌دهد: می‌روم گلستان شهدا، کنار مادرم می‌نشینم و به او سلام می‌کنم ... من روی سنگ [قبر] را می‌خوانم. روی آن نوشته شده "شهید خردسال اکبر...". اما نه، خانه من آنجاست. آن بالا توی آسمان. این اثر به لحاظ دیدگاه معنوی و تازگی نگاهش، در میان آثار داستانی تألیفی برای کودکان و نوجوانان، ارزشمند و قابل توجه است. اما از نظر جذابیت و تأثیر معنوی و روانی بر مخاطب، نمی‌توان زیاد آن را مورد تأیید قرار داد. مشکل دیگر مجید راستی در این داستان ضعف تخیل است. او این کودک شهید را، در آنجا تنها، غریبانه و بی‌تحرك و کسالت بار به تصویر می‌کشد که قطعاً این چیزی نیست که بتواند علاقه کودک یا نوجوان مخاطب کتاب را به خود جلب کند و البته ویژگی‌های ظاهر کتاب هم بیانگر این است که این اثر نمی‌تواند برای گروه سنی "د" تناسب و جذابیت داشته باشد. در برخی آثار دیگر که مربوط به دفاع مقدس هست، رگه‌هایی از عوالم مابعدالطبیعه را می‌بینیم مثلاً در داستانواره "کاری باید کرد" (۱۳۶۵) از مهدی شجاعی، راوی داستان، پس از شهادت، مورد استقبال فرشتگان و یاران امام حسین (ع) قرار می‌گیرد. (در مسیر تندباد، محمد رضا سرشار (رهگذر)، ص ۳۱-۳۷).

همان طور که گفته شد، رمانها و داستانهای مثبت نگر، مرگ در جبهه را شهادت می‌پندارند و عاشقانه در این راه می‌جنگند. شخصیت‌های این قسم از داستانها، شهادت را فیض عظمی می‌دانند. سعادت‌تی که به راحتی نصیب هر کس نمی‌شود. شهدای داستانهای مثبت نگر، همه خود شهادت را طلب کرده‌اند، نگاهشان معصوم، چهره‌هایشان نورانی، دلشان پاک و قلبشان پر از شوق رسیدن به لقاء الله است.

ادبیات داستانی کودک و نوجوان ۲۶٪ از موضوعات متنوع جنگ را به خود اختصاص داده است و این در حالی است که جدای از چند داستان کم اثر، ۱۰٪ این دسته از ادبیات با نگاهی خوش بینانه به جنگ نوجوانان نگریده‌اند.

اغلب نویسندگان پذیرفته بودند بندهایی که کودکان را به زندگی پیوند می‌دهد، بسیار نازک و کم توان است و نباید با گفتن و نوشتن درباره جنگ خون آلود و دردناک این بندهای ضعیف را از هم گسست و روح یأس و ناامیدی را در میان بچه‌ها رواج داد. جنگ سرزده وارد شد و خودش را به زندگی و قلم‌آوران و قلمداران تحمیل کرد و آثار پیرامون جنگ در میان کتابهای ویژه کودک و نوجوان رخ نمود.

وقتی از هر کوچه چند نفر به جبهه رفتند و جای خالی آنها حس شد، وقتی آوارگان جنگی حتی چهره شهرهای دور از جنگ را هم تغییر دادند، وقتی اثرات اقتصادی جنگ در داخل خانه مخالفان جنگ هم چهره نمود، وقتی که بچه‌ها جای خالی بابا را حس کردند و مجبور شدند درس آژیرهای زرد و قرمز را از رادیو و تلویزیون با ترس و لرز بیاموزند جنگ واقعیتی شده بود که از آن گریزی نبود و نویسنده و شاعر بچه‌های ایرانی نمی‌توانست از جنگ که ابعاد مختلف زندگی مخاطبش را تحت تأثیر قرار داده است، غافل بماند.

شخصیت پردازی در ادبیات داستانی دفاع مقدس (انگیزه‌های رفتاری شخصیت داستان)

«انگیزه، رفتارها و کنش‌های شخصیت داستان را مدار داستان یا ساختار داستانی می‌سازد. کنش شخصیت باید در جهت پیشبرد مدار داستان باشد و گرنه بی‌معنی و زاید است. شخصیت رفتارش دلخواه نیست، بلکه باید در چارچوب مشخصی عمل کند.» (روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، محمد هادی محمدی، ص ۱۷۴). اشخاص داستانی در ادبیات جنگ یا ضدجنگ و در واقع بازیگران این روایت، نقش تعیین‌کننده دارند و یک دفاع یا تهاجم را می‌توانند مثبت یا منفی نشان دهند.

باور به زندگی مردم و اینکه آینده تک‌تک افراد چه خواهد شد، باعث می‌شود که هنرمندان، آثاری را با محوریت انسان در جنگ خلق کنند. طبیعی است، در جایی که ملتی مورد ظلم قرار می‌گیرند، نمی‌شود پدیده جنگ را از ایدئولوژی عدالتخواهی، اعتقاد، ارزشها و منافع مردم مستثنا نمود. نویسنده روشنفکر یا لائیک که قصد دارد درباره جنگ، داستان بنویسد، اگر در بین صدها هزار نفر، یک نفر با خصوصیات کاملاً منفی یا مخالف با نظام در بین

رزمنده‌ها باشد، همان یک نفر را بارز می‌کند، تا او را به عنوان یک رزمنده به مخاطب بشناساند، همه افراد دارای آرمانهای خاص مذهبی و سیاسی نیستند و برخی زندگی راحت و بی دغدغه را می‌پسندند. اگر نویسنده‌ای این قشر از افراد عام را به عنوان شخص داستان، برگزیند، به معنای این است که قصد دارد ضدجنگ بنویسد. همچنین نویسنده‌ای که قصد سیاه‌نمایی دفاع مقدس را دارد، با گزینش عناصر داستانی و موضوع مورد نظر خود، اثر را به گونه‌ای پیش می‌برد که خواننده را از رزمنده خودی و از هدفی که داشته، مکدر سازد و او را به این سمت گرایش می‌دهد که با این همه ویرانی و مشکلاتی که به وجود آمده، چه دلایلی برای جنگ وجود داشته است؟ و خواننده نسبت به اصل مبارزه بی اعتماد می‌شود. البته وجود تعادل را در ویژگی‌های مثبت و منفی اشخاص، لازمه یک شخصیت پردازی اصولی و قابل پذیرش دانسته‌اند. همان طور که در دنیای واقع هم انسانها، متنوع هستند و هیچ کس مانند دیگری نیست، نمی‌توانیم همه نیروهای دفاع مقدس را شبیه به هم و یکسان، خلق کنیم. در افراد مذهبی، شخصیت‌های بذله گو، مهربان، متفکر، خنده رو، کم حرف و... داریم ولی نویسنده نوقلم یا نویسنده ضدجنگ، این خصوصیات را استفاده نمی‌کند و تنها به بخشی از ویژگی‌های کلیشه شده می‌پردازد.

متأسفانه مشکلات بسیاری در زمینه ادبیات دفاع مقدس وجود دارد از جمله اینکه نویسنده بی‌غرض هم به خوبی شخصیت‌های دفاع مقدس را نشناخته و نمی‌تواند آنها را به خوبی معرفی کند. از گذشته رزمنده و اشتباهات و خطاهایش اغماض می‌کند و تنها به حضور او در جبهه می‌پردازد و حالات روحانی او را به تصویر می‌کشد. قدر مسلم این است که وقتی کسی تمام دلخوشی‌هایش را رها می‌کند و به جبهه می‌رود، نقیصات و دلبستگی‌هایی داشته است، ولی یک سویه نشان دادن و تک بعدی کردن این فرد، باعث می‌شود که قشر مذهبی و انقلابی، افراطی و تک بعدی معرفی شود. ضرورت دارد که در داستانها تعادل برقرار شود. در طرح ریزی شخصیت در ادبیات دفاع مقدس، گرایش به مطلق گرایی و بد و خوب زیاد شده و سبب گردیده که خواننده این افراد را به دور از حیات و به دور از وجود انسانی بداند و به مطالعه این قبیل آثار گرایش پیدا نکند.

رازهای ماندگاری شخصیت در داستانهای نوجوان

به همان اندازه که در ماجراها پیچیدگی وجود دارد، سادگی و ملموس بودن، در شخصیت قهرمانان به چشم می‌آید. جمله‌ها و کلماتی که بین آنها رد و بدل می‌شود کاملاً با روند داستان مرتبط است. آنها کسی را نصیحت نمی‌کنند. یعنی پندهای اخلاقی مستقیم، به خوانندگان و مخاطبان خود نمی‌دهند و خواننده احساس نمی‌کند که در لابه لای این داستانها چیزی برای نصیحت کردن او گنجانیده اند، بلکه فقط کار خودشان را انجام می‌دهند و اگر بناست که پیامی وجود داشته باشد استخراج و دریافت آن به میل و عهده مخاطب است. ویژگی‌های قهرمانان، نه با توضیحات مستقیم و بی‌واسطه نویسنده که با اعمال و رفتار آنها در طول داستان شناخته می‌شود. ویژگی شخصیتها در داستانهای نوجوان در این است که می‌توان آنها را با یک یا چند صفت معدود و خاص شناخت و به خوبی معرفی کرد. شخصیت پردازی در ادبیات نوجوان با آنچه در ادبیات داستانی بزرگسالان می‌بینیم تفاوتی دارد و به نگاه کودکان بسیار نزدیک است. نوجوان می‌تواند در تجربه ماجراهای گوناگون، با شخصیت‌های داستان شریک شود. او می‌تواند با قهرمانان داستانها همذات پنداری کند و یا آنان را به عنوان دوست خیالی خود برگزیند. دوستانی که مفاهیم و خصلتهایی همچون هیجان، موفقیت، باهوشی و زرنگی را برای او نمایش می‌دهند و با تکیه بر تواناییهای مثبت خود، به پیروزی و موفقیت می‌رسند تا شادمانی و احساس سهیم شدن در پیروزی برای نوجوان ایجاد گردد. مسائل و معضلات اجتماعی در داستانهای نوجوان معمولاً در پوششی از طنز و مطایبه مطرح می‌شوند و نویسنده از بازنمایی و بازگو کردن صریح و مستقیم چنین مسائلی که شاید نمونه‌های واقعی آنها برای جوامعی که با این مشکلات دست به گریبان هستند دردآور و بسیار اندوهبار باشد، خودداری می‌کند. این رویکرد، بر کار نویسندگانی که می‌کوشند نقاط سیاه مسائل اجتماعی را با همه بدیها و ناهنجاریشان و حتی، سیاهتر از آنچه هست، بی‌پرده و مستقیم به چشم خواننده کم سن و سال خود بیاورند، کاملاً مرجح است، این نوع نگارش، بیش از آنکه برای مخاطب باشد، برای ابراز وجود نویسنده است.

شخصیت ایستا و پویا

گفته شد که شخصیت هر فرد همان الگوی کلی یا همسازی ساختمان بدنی، رفتار، علائق، استعدادها، توانایی ها، گرایش ها و صفات دیگر اوست. همین ویژگی هاست که در داستانها شخصیت های ایستا و پویا شکل می گیرند. شخصیت های ایستا در ادبیات داستانی نوجوانان معمولاً خصایل و ویژگی های مثبت دارند و نیز شخصیت های ماجراجو و حادثه جو دارای شخصیتی ایستا و ثابت هستند. شخصیت های پویا به طور کامل و همه جانبه و پیاپی تحول نمی یابند و این تغییر فقط شامل یک جنبه وجودی آنها می شود. مضمون برخی از داستانهای دفاع مقدس، تحول یک شخصیت از منفی به مثبت، در اثر مواجهه شخص با حال و هوای معنوی جبهه و رزمندگان مخلص و جان برکف است. البته چون سن و سال نوجوانان اجازه نمی دهد که در خط مقدم جبهه باشند و نیز اقتضای گناهان، آلودگی ها و انحراف های اساسی و ریشه دار را ندارند، کمتر این مضمون، در این قبیل داستانها وجود دارد.

قهرمان داستان کوتاه "در دل سیاه شب" از "مجموعه تراب" (۱۳۶۸) نوشته رضا شیرازی، رزمنده ای است که قبلاً یک بار دست به دزدی زده است، ولی با مشاهده نوشته ای از امام خمینی (ره) در بسته خوراکی که نام ناشری هم در آن قید شده و تأکید شده که گناهان گذشته را به یاد بیاورید، به همان انتشاراتی که مبلغ زیادی دزدی کرده نامه ای می نویسد و بخشی از پول را بر می گرداند و می گوید سعی می کنم بقیه پول را هم مسترد کنم و حلالیت می طلبد.

"نادر ولی" از مجموعه "ارباب والا" (۱۳۶۹) نوشته محمد رضا کاتب، داستانی از این دست می باشد. نادر ولی صاحب چهار نمایشگاه اتومبیل است. با شهادت تنها برادرش اسماعیل که به شدت مورد علاقه او بوده است، نام برادر را بر خود می گذارد و عازم جبهه می شود. داستان کوتاه "می مانم" (۱۳۷۳) نوشته داوود امیریان، قهرمان آن کاملاً نوجوان است و در مدت حضور در جبهه تمام سعی او این است که شرارتهای قبل از آمدنش به جبهه را از دوستانش پنهان کند تا لطمه ای به حیثیت جدید او وارد نشود. البته انعکاس همین دیدگاه هم پس از پذیرش آتش بس منتشر شده و نشانگر این است که نویسندگان در دوران جنگ حتی در همین مقدار کم، در ذهنهای مخاطبان خود، نسبت به شخصیت والا و معنوی رزمندگان، خدشهای ایجاد نکرده اند. (در مسیر تندباد، محمدرضا سرشار (رهگذر)، ص ۳۲۷-۳۲۹).

نقد داستانهای نوجوانان از نظر پرداخت نویسنده به خلق شخصیتها در اثرش

در "گل سرخ پیروزی" نوشته امیر مراد حاصل (۱۳۶۶) شخصیت اصلی داستان نوجوان نیست و مسائل اصلی و فرعی مطرح شده در آن هم خاص نوجوانان نیست. نوع تصاویر کتاب نیز، مناسب این سنین نیست. داستان بین دو شخصیت تقی و سیدجلال در نوسان است. در قسمتهای اول داستان عملاً، سیدجلال محور داستان است، اما در ماجرای شرکت راوی در عملیات بعدی، راوی مرکز توجه خواننده قرار می گیرد، بعد هم دوباره با مراجعه به موضوع سیدجلال، داستان روی او متمرکز می شود و داستان پایان می پذیرد. (همان، ص ۱۱۶ و ۱۱۷).

"عقابهای تپه شصت" از محمدرضا بایرامی (۱۳۶۹) در پیرنگ، فاقد وحدت و انسجام و بعضاً خط سیر داستانی مشخص است و بیشتر شبیه خاطره است. شخصیت پردازی کار قوی نیست. افراد دارای فردیت و تشخص کافی نیستند. از وضعیت خانوادگی و گذشته آنان، اطلاعات لازم به خواننده داده نمی شود. از لحن راوی مشخص می شود که سن و سال او بیش از یک دانش آموز دوم نظری است و حداقل یک جوان است تا یک نوجوان. نویسنده چون خصایص بسیجی را نمی شناسد، عمدتاً خصایص سربازان را به نام بسیجی به آنان نسبت داده است. (همان، ص ۱۳۶ و ۱۳۷)

شخصیت محوری مجموعه داستان "ایرج خسته است" (۱۳۷۳) از داوود امیریان که علی القاعده گرتة برداری از نوجوانی خود نویسنده است، یک نوجوان بسیجی شوخ و بامزه را معرفی کرده که در نوع خود یک تیپ نو و بدیع در عرصه داستانهای مربوط به جبهه و جنگ است.

یکی از کتاب‌های سال ۱۳۶۰ که مورد استقبال خاصی قرار گرفت و چندین بار تجدید چاپ شد "اسم من علی اصغر است" نوشته مصطفی رحماندوست است. یکی از ضعف‌های این داستان مشخص نبودن شخصیت اصلی داستان است و نمی‌توان فهمید که پسرک، پدرش، یا میرزاهادی واعظ، شخصیت اصلی داستان است. شخصیت پردازی اثر هم دچار مشکل است. اینکه پسر راوی چند ساله است، کلاس چندم است و چه اخلاق و روحیاتی دارد، معلوم نیست. پدر او چند ساله است؟ چه ترکیب و شکل و شمایللی دارد؟ شغل او چیست؟ سواد و تحصیلاتش به چه میزان است؟ آن هم مشخص نیست. حاج میرزاهادی، غیر از روحانی و آگاه و مبارز بودن چه ویژگی‌هایی دارد، او نیز از حد یک چهارمان (سنخ) فراتر نرفته است. درست است که باید شخصیت اصلی، کامل معرفی شود ولی چون در این اثر هر سه چهره، مورد نظر بوده است توقع معرفی هر کدام از این سه نفر به وسیله نویسنده می‌باشد. سن و سال راوی گاه تا سطح یک پسرچه هفت-هشت ساله کوچک می‌شود و گاه تا حد یک نوجوان هفده-هجده ساله تغییر می‌یابد. به درونیات و خصوصیات روحی پسر هم توجهی نشده است.

در مجموعه داستان "سنگر محمود" نوشته منصوره شریف زاده داستان "پاره ابرهای خونین" به شیوه مرور خاطرات گذشته است. شخصیت اصلی داستان دقیقاً مشخص نیست و کارهای او طبیعی و منطقی جلوه نمی‌کند از جمله مجیدی که از صدای بمب و حمله دشمن می‌ترسد، معلوم نیست که چگونه، به یک باره و به طور جهشی، شجاع می‌شود و تصمیم به ماندن در شهر می‌گیرد. "کلاس انشا" دومین داستان این مجموعه است که آن هم از نظر شخصیت پردازی ایراد دارد و معلوم نمی‌شود بچه‌های کلاس چندساله و یا کلاس چندم هستند. در سومین داستان با عنوان "کلید" می‌بینیم که شخصیت راوی داستان نوجوان نیست و موضوع محوری آن هم به نوجوانان مربوط نمی‌شود. "سنگر محمود" آخرین داستان این مجموعه به شیوه اول شخص مفرد بیان شده است. راوی دوازده و نیم سال دارد و ساکن یک شهر کوچک بندری در جنوب کشور است. نویسنده در این داستان، فاصله زمانی نسبتاً طولانی را محور کارش قرار داده است و چون از شگردهای خاصی پیروی نکرده، داستان جنبه روایی و نقلی پیدا کرده است. اسم راوی تا پایان داستان مشخص نمی‌شود در حالی که بقیه نام دارند. همچنین ما متوجه سن و سال خواهر و برادرهای او نمی‌شویم. (همان، ص ۵۲ تا ۷۰، به شکل خلاصه.)

دود پشت تپه از محمدرضا بایرامی (۱۳۷۵) با ۲۲۴ صفحه حجم را، می‌توان اولین و بلندترین داستان بلند درباره یک جانباز نوجوان دفاع مقدس، تا آن زمان دانست، که برای گروه‌های سنی "د" و "ه" منتشر شده بود. جز راوی سایر آدم‌ها، بیشتر تنها یک نام اند و پرداخت لازم در مورد شخصیت آنان صورت نگرفته است. حتی شخصیت اصلی نیز به اندازه کافی پردازش نشده است. گفتگوها اصلاً حال و هوا و رنگ و بوی روستایی ندارد. اواخر داستان هم به کلی روایی است. (همان، ص ۱۷۴)

نکته برجسته رمان "سفر به گرای" ۲۷۰ درجه" نوشته احمد دهقان، در این است که خاطرات نویسنده را از جنگ حمل می‌کند و ریز و دقیق و حتی و جب به و جب خاک جبهه را به تصویر می‌کشد و همچون نوجوان ۱۵ ساله‌ای است که می‌خواهد چشمش را به روی دنیا باز کند. شخصیت ناصر واقعی و از دوستان صمیمی احمد دهقان است که در جبهه شهید می‌شود. حضور ناصر در همه جای کتاب و زندگی نویسنده احساس می‌شود. حتی دهقان اسم ناصر را برای پسرش انتخاب می‌کند. ناصر به مرخصی می‌آید تا امتحان بدهد، از طرف دوستانش مؤاخذه می‌شود که از جبهه برگشته‌ای تا درس خوان بشوی و از طرفی به وسیله تلفن و تلگراف به جبهه فراخوانده می‌شود تا در عملیاتی که در پیش است شرکت کند. برپایه گفته نویسنده، عراق در منطقه جنگی ما در زاویه ۲۷۰ درجه‌ای بود و "سفر به گرای ۲۷۰ درجه" معنی سفر به منطقه جنگی است.

تعداد رمانها (داستانهای بلند) که از آغاز جنگ ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۸۰ درباره جنگ برای نوجوانان به رشته تحریر درآمده است، از جهت کمی نیز، قابل بررسی است یعنی ۵۵ عنوان در ۲۱ سال داستان نویسی نوجوان.

داستان‌های جنگ نوجوانان از بُعد تکنیک

اغلب قصه‌های جنگ مبتنی بر پیام است. یعنی حرکت نویسنده از قصه به پیام نبوده، بلکه حرکت از پیام به قصه بوده است و همین امر لزوم پرداختن به تکنیک را متزلزل کرده است. قصه‌های پیرامون جنگ به سه دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- قصه‌های مبتنی بر پیام که از نظر تکنیک ضعف‌های عمده دارند.
- ۲- قصه‌هایی که مبتنی بر حس و عاطفه است و نیز ضعف‌های عمده تکنیک دارند.
- ۳- قصه‌های خوش ساخت و پرداختی که حس آفرین و با عاطفه و خیال‌انگیزند و به پیام ارزشمندی نیز دست یافته‌اند. (مجموعه مقالات سمینار رمان جنگ، ص ۲۰۷).

ادبیات نوجوان در حوزه دفاع مقدس، همچنین از فقر عناصری چون استعاره پردازی، خیال ورزی، مجازگویی، بن‌مایه‌های اساطیری و افسانه‌ای، شاعرانگی و لطافت، بدیهه‌گویی، نازک‌اندیشی و روانی و رسایی، در رنج است. ادبیات دفاع مقدس (نوجوان) به دو آفت مزمن دیگر مبتلاست یکی ساده‌نگری و دیگری ساده‌انگاری. اولی از سوی نویسندگان و دومی از سوی متولیان این حوزه. نویسندگان، کتابهایی یکسونگر، قالبی، شعاری و عاری از خلاقیت و نوجویی می‌نویسند. (محمدکاظم مزینانی در گفتگو با حیات، جایگاه دفاع مقدس در ادبیات کودکان و نوجوانان با عنوان: ادبیات کودک و نوجوان در حوزه دفاع مقدس به آفت ساده‌انگاری مبتلاست، چهارشنبه ۸۷/۵/۳۰) ما کمتر نویسنده‌ای داریم که توانسته باشد خود را جای شخصیت نوجوان بگذارد و هر آنچه را مطرح می‌کند بیشتر ذهنیات خودش از کودک نباشد. باید بدانیم که الگو با واقعیت تطابق ندارد. (گفتگو با زری نعیمی با عنوان: جنگ در قالب داستانی، خشونت را انتقال نخواهد داد. سایت حیات، یکشنبه ۸۷/۴/۲۳)

قهرمانان دختر در داستانهای نوجوان دفاع مقدس

در یک بررسی اجمالی (تا پایان سال ۱۳۷۹) مشاهده می‌شود که تعداد داستانهای دارای قهرمانی دختر در عرصه دفاع مقدس در مقایسه با ادبیات کودکان و نوجوانان به طور عام، کم نیستند، اما اکثر این دختران در سنین خردسالی و کودکی قرار دارند و در عالمی نیمه تخیلی و حتی تخیلی، با موضوعات جنگ و تبعات آن روبه‌رو می‌شوند. تنها دو داستان کوتاه "کلاس انشا" از مجموعه "سنگر محمود"، نوشته منصوره شریف زاده (۱۳۶۰) و "هم نفس با خاک" از مجموعه "زمزمه" نوشته میترا بیات (۱۳۷۶) و داستانهای بلند "تابستان و غاز سفید"، از مژگان مشایخی (۱۳۷۶) و "آواز نیمه شب"، از داوود غفار زادگان (۱۳۷۶) قهرمان آنها، دختر نوجوان هستند.

نتیجه‌گیری:

قصه‌های دفاع مقدس که بعد از جنگ نوشته می‌شود، برای آماده‌سازی جو جامعه و کمک به روحیه رزمندگان نیست. اینگونه ادبیات، یادآوری شجاعت‌ها و فداکاری‌های آن روزها و حفظ و اشاعه مقوله ایشارگری در میان مخاطبان است. نویسندگان داستان‌های نوجوان با توجه به شرایط صلح و آرامش در جامعه، متأسفانه احساس نمی‌کنند که لازم است به طرح تاریخ دفاع مقدس بپردازند. هشت سال دفاع مقدس برهه‌ای از تاریخ این مملکت است و در این جنگ نوجوانان و جوانان این آب و خاک، نقش آفرین بوده‌اند. شاید نگاه محدود و شعاری به جنگ ۸ ساله ایران و عراق در بعضی کتاب‌ها باعث شده است خاطره خوبی از کتابهای دفاع مقدس در ذهن مخاطبان نوجوان به جای نگذارد. نوجوان، طرفدار شور و حال و هیجان است. برای چنین روحیاتی خیلی راحت‌تر می‌توان قصه و رمان نوشت. لیکن به ادبیات نوجوان کم توجهی شده است. نسل جوان امروز که نه جنگ را تجربه کرده و نه شاید نشست و برخاستی با رزمندگان آن روزگار داشته، با فضا و سوژه‌ای کاملاً غریب روبه روست.

فهرست منابع:

- سرشار، محمدرضا (رهگذر)، *در مسیر تندباد* (بررسی بیست سال ادبیات داستانی دفاع مقدس ویژه کودکان و نوجوانان)، تهران، پیام آزادی با حمایت بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- سایت حیات با موضوع ادبیات نوجوان دفاع مقدس.
- مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- محمدی، محمدهادی، *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

دانشگاه هرمزگان

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir